



«نقش موبدان زرتشتی در اندیشه سیاسی ایران باستان»

شاهین صنعتی مقدم^۱ و خانم الناز پروانه زاد^۲

Shahin Sanati Moghadam دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه پیام نور واحد اسلامشهر

دانشجوی دکتری گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس_مدرس دانشگاه پیام نور تهران parvanezad@yahoo.com

چکیده:

جستجوگر است که بشر را به غوص در اعماق آموزه ها و انگاره های دینی واداشته است. دغدغه ی تمایلات مذهبی در تاریخ بشر، پدید آورنده ی دانش و علوم طبیعی شده است و بیشترین مظاهر تمدن در فرهنگ چه فرهنگ اجتماعی و یا فرهنگ سیاسی نتیجه بسط دین بوده است. از سوی دیگر، زندگی هر ملت بر سیاست آن ملت استوار شده است و تا زمانی که سیاست مفهوم و معنای خود را در جامعه پیدا نکند و افراد اجتماع به درک و مفهوم راستین آن پی نبرند امید رسیدن به مفاهیم دینی، روابط اخلاقی و نهایتاً ایجاد جامعه ای آزاد و خلاق بیهوده است. فلات ایران طبق تحقیقات دیرینه شناسان وباستان شناسان از پیدایش اولین اجتماعات بشری تا مهاجرت گسترده اقوام آریایی به این فلات پهناور هرگز خالی از دین و تمدن نبوده است. عیلامیان و آشوریان از اولین و نخستین تمدنهایی بودند که یکجانشینی و شهرنشینی را آغازو پایه ریزی کردند و متناسب با این تغییر و آغاز پادشاهی این حکومت ها، اولین قوانین نشات گرفته از عرف قبیله ها، اسطوره ها و اعتقادات دینی مدون گشته و بدنبال آن فرایند شکل گیری فرهنگ اجتماعی ملموس تر گردید. به مرور، پادشاهان نیز که بر اساس دیدگاه دینی عموم جامعه از شأن و شوکتی بهره مند بودند، خود را فرستاده و حمایت شده از جانب خدایان و مجریان اوامر آنان معرفی نموده و خود را نگهبان و مسئول گسترش اعتقادات دینی جامعه معرفی می کردند. بر این اساس، همواره بین معتقدان دین و مدعیان حکومت نسبت های ایجابی و سلبی گسترده ای وجود داشته که عملاً تحقیق هر کدام را در گرو تحقیق آن دیگری قرار داده است.

مهاجرت آریاییان به فلات پهناور ایران مبنای ایجاد تمدن هائی شد که هریک از این تمدن ها، بسترساز رشد و تعالی تمدن های دیگر سرزمین های باستانی گردید. با شروع حکومت ماد بتدریج حاملان آئین زرتشت بالاخص روحانیون و مغان زرتشتی نقش خود را در پهنه سیاسی ایران به عهده گرفتند تا اینکه در پایان عمر سلطنت ساسانی که آخرین دوره شاهان باستان بیش از ورود اسلام می باشد عملاً دین یکی از ارکان رسمی قدرت در ایران به شمار می رفت. روحانیون زرتشت از شروع تاریخ مکتوب این سرزمین همواره جزء طبقات اول جامعه بوده اند. اندیشه اهورامزداپی مسامحه محور محصول فرایندی متقابل است که در طول ۱۵۰۰ سال بین شاهان و مغان منسجم گردید و نهایتاً در روابط سیاسی حاکم برجامعه، مورد سوء استفاده شاهان از قدرت مذهب قرار گرفت. تولد اندیشه سیاسی جبرنگر نیز به نوبه خود شرایطی را رقم زد که به ضعف ساختار پادشاهی، به ویژه در دوره ساسانیان منتهی شد.

واژگان کلیدی: ایران باستان، مهاجرت، اندیشه سیاسی، آیین

زرتشت، مغان

۱- مقدمه:

از روزگار کهن، مقوله ی دین در زمره مهم ترین دغدغه های فردی آدمیان و طبعاً بزرگترین نقش آفرین و عامل اصلی در شکل گیری اجتماعات انسانی بوده است. البته باید دانست که تمایل به مبانی استعلایی، عشق به دانش و داشتن جهان بینی همچون نهادی

۲- معرفی و کلیات قوانین حمورابی:

قوانین حمورابی اولین نمونه در تاریخ است که قوانین سیاسی و اجتماعی را به شکل مکتوب اعلام نموده است. هر چند در این قوانین، رویکردهای مستقیم به دین وجود ندارد، ولی سلوک پادشاهی بر کارویژه برقراری عدالت را می توان شاخصه ای دانست که امکان تحقیق در ایجاد و گسترش دین گرایی مردم را در بطن و متن پادشاهی دوران باستان فراهم می کند.

حمورابی (۱۸۱۰-۱۷۵۰ پ.م) ششمین پادشاه از اولین سلسله پادشاهان کشور بابل است. این قوانین در ۲۸۲ ماده در باب حقوق جزا و حقوق مدنی و حقوق تجارت بر روی سنگی از جنس بازالت به ارتفاع ۲/۵ متر و دورتادور این ستون در ۳۴ ردیف به خط میخی نوشته شده است. این ستون توسط باستان شناس فرانسوی ژاک دومورگان^۱ فرانسوی در

^۱ Jacques Jean Marie de Morgan